

رفیق غفار عریف

ګسیل سپاهیان شوروی به افغانستان،  
آغاز و انجام



ګسیل سپاهیان شوروی به افغانستان، آغاز و انجام



نویسنده: رفیق غفار عریف

به تاریخ ۲۵ دسامبر ۱۹۷۹ گسیل سپاهیان شوروی به افغانستان آغاز یافت و پس از امضای موافقتنامه‌ی ژنیو در ۱۴ اپریل ۱۹۸۸ در دفتر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنیو - خروج نظامیان از ۱۵ می ۱۹۸۸ شروع و در ۱۵ فیبروری ۱۹۸۹ آخرین افسر و سرباز شوروی، افغانستان را ترک گفتند .

شایان یاد دهانی ست که توافقنامه‌ی ژنیو حاصل یک روند دشوار دیدارهای غیرمستقیم بین نمایندگان سیاسی افغانستان و پاکستان در دوازده دور گفت و گوها بود که از جون ۱۹۸۲ به راه انداخته شده بود. ادوارد شیوارد نازی وزیر خارجه شوروی و جورج شولتز وزیر خارجه امریکا در جایگاه تضمین کنندگان تطبیق موافقتنامه، آن را دستینه کرده بودند.

اما رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان، پیش از این با بیرون دادن دو اعلامیه‌ی تاریخی ( ۱۴ / ۵ / ۱۹۸۰ و ۲۴ / ۸ / ۱۹۸۱ ) در پی آن برآمد تا مسائل مورد اختلاف با همسایه‌ها و قدرت‌های جهانی را، از جمله بازگشت سپاهیان شوروی به میهن‌شان، از راه‌های دوستانه و صلح‌آمیز با در پیشگیری کفتمان سیاسی حل و فصل بدارد .

در این باره در یک اثر پژوهشی آمده است :

«این در حالی است که تلاش برای فراخوان طرف‌های متخاصم برای نشستن پشت میز گفتگو از سوی مسکو و کابل هنوز در ماه مه ۱۹۸۰ به عمل آمده بود. تمایل رهبران شوروی به اتخاذ موقف سازنده‌تر در مساله افغانستان پاییز سال ۱۹۸۱ از سوی هاویر پیرس دوکلیار که در آن هنگام معاون سازمان ملل متحد در مسایل سیاسی خاص بود، خاطر نشان گردید ( «...کتاب: جنگ در افغانستان، نوشته گروهی از دانشمندان انستیتوی تاریخ نظامی فدراسیون روسیه، ترجمه: عزیز آریانفر، ص ۳۰۳ )

در رابطه به تصمیم‌گیری گسیل سپاهیان شوروی به افغانستان، دوران (۹) ساله‌ی موجودیت آنان در افغانستان و آغاز و تکمیل خروج آنان از

افغانستان؛ در درازای دو نیم دهه ی پسین حرف و حدیث های زیادی در شبکه های اجتماعی و رسانه های همگانی، بازتاب گسترده یافته و در این باره ده ها جلد کتاب و رساله به چاپ رسیده که در همه ی آن ها بخش های از حقیقت روشن شده و یا در برخی از آنها مسائل وارونه جلو داده شده که هر کدام آن می تواند در جایگاه خودش برای شهروندان افغانستان دارای دیدگاه های جدا از هم، از اهمیت ویژه ای برخوردار باشد .

در جستار حاضر کوشش بر آن است تا با تکیه بر واژه های ریخته شده در برگ های کتاب ها، روی سلسله ای از واقعیت های انکارناپذیر، پیرامون چگونگی تصمیم گیری فرستادن نیروی نظامی به افغانستان؛ چه وقت، به تقاضا و به دعوت چه کسانی سپاهیان شوروی به افغانستان آمدند؛ روشنی انداخته شود:

در کتاب : ” سی آی ای – تمام تاریخ آن ” آمده است (برگردان از آلمانی) :

«سفیر آمریکا در افغانستان، ادولف ( Spike ) دبس در یک خیابان در کابل از سوی شورشیان افغانستان که علیه رژیم عروسک طرفدار شوروی جنگ می کردند، گروگان گرفته شده و او را کشتند. وقتی پولیس افغانستان در همراهی با مشاوران شوروی به هوتل [کابل] حمله بردند، آنجا که دبس در اسارت بود، در همان جا کشته شد. این رخداد یک نشانه ی روشن بر آن بود، افغانستان به سوی خارج شدن از زیر اداره به پیش می رود. شورشیان مورد حمایت پاکستان با نیرومندی فعالیت خود را بر ضد حکومت بی خدا، سمت و سوی دادند. رهبران سالخورده اتحاد شوروی با هراس به طرف جنوب نگاه می کردند. بیشتر از چهل ملیون مسلمان در جمهوری های آسیای میانه شوروی زندگی می نمایند. شوروی ها دیدند که چگونه شعله های آتش بنیادگرایی اسلامی به مرز هایش نزدیک می شود. در یک نشست گسترده ی دفتر سیاسی که به تاریخ ۱۷ مارچ آغاز یافت، اندروپف گفت: اجازه نیست، افغانستان از دست برود .

در ( ۹ ) ماه که در پیش رو بود، سی آی ای غفلت کرد تا به ریس جمهوری ایالات متحده امریکا از صورت گرفتن یک هجوم هشدار می داد، آنچه که چهره ی جهان را بایست تغییر بدهد. دفتر مربوط راجع به ظرفیت شوروی بسیار خوب آگاه بود؛ لیکن از تصمیم شوروی هیچگونه آگاهی نداشت .

بولتین خبری روزانه ی بسیار مخفی سی آی ای به نام:

Nation Intelligence Daily برای قصر سفید، پنتاگون و وزارت خارجه به تاریخ ۴ مارچ ۱۹۷۹ با اطمینان آگاهی داد: «شوروی ها به کلی اجازه ی آن را ندارند و مایل هم نیستند، در یک مقیاس وسیع نیرو های زمینی را به افغانستان گسیل دارند.»

در همان هفته بود که واحدهای ارتش شوروی در یک تشکیل (۳۰۰۰۰) تن نظامی با وسایط باربری، تانک های جنگی و ترانسپورت همراه آن ها، شروع به حرکت به نزدیکی مرزهای افغانستان کردند .

در ماه های جولای و اگست ۱۹۷۹ شورشیان به حمله های خویش به گارنزیون های افغانستان شدت بخشیدند و سرکشی ها آغاز یافت، مسکو یک واحد نیروی هوایی را به فرودگاه نظامی بگرام، بیرون از کابل، پرواز داد. در یک نامه به امضای کارتر عنوانی سی آی ای که برژنسکی آن را آماده ساخته بود، هدایت داده شد تا در یک عملیه پنهانی شورشیان افغانستان را با کمک های بهداشتی - پول و مواد تبلیغاتی تامین بدارد. شوروی (۱۳) تن جنرال را به رهبری یک فرمانده قوای زمینی به کابل فرستاد. پس از آن سی آی ای به تاریخ ۲۴ اگست به رییس جمهوری اطمینان داد :

«بحرانی شدن وضعیت نشانه ای برای بالا رفتن مرحله به مرحله ی اقدام های نظامی شوروی به مفهوم آمادگی جهت رویارویی جنگی مستقیم نمی باشد»

به تاریخ ۱۴ سپتامبر، دریادار Turner به آگاهی رییس جمهوری رسانید: «رهبران شوروی ممکن است در یک تصمیم گیری قرار داشته باشند تا نیروهای خویش را در افغانستان وارد میدان های جنگ سازند تا از فروپاشی رژیم جلوگیری کنند؛ لیکن این کار را آنان گام به گام در وجود واحدهای کوچک نظامی انجام می دهند و با قطعات محدود، با مشاوران نظامی و واحد های چند هزار نفری تکمیل می نمایند. از آن جایی که با تخمین زدن ها اطمینان حاصل نمی شد؛ بنابراین سی آی ای از شفاف سازی مسلکی دوری گزینی اختیار کرد و چیزهای را که کارهای کشفی ارتش آمریکا، پروتوکول های شنیدنی الکترونیکی صدا و زتالایت های کشف جاسوسی به دست داده بودند و می توانست با استفاده از آن ها ابراز رأی کند، کنار گذاشت. در شب ۲۸ سپتامبر کارشناسان به اتفاق نظر به این نتیجه رسیدند: مسکو به افغانستان هجوم نمی آورد.»

پرواز نظامیان شوروی [ به سوی افغانستان ] ادامه یافت. به تاریخ ۸ دسامبر دومین واحد هواپازان به فرودگاه بگرام رسیدند. دفتر خدمات اطلاعاتی در گزارش روزانه ی خود به قصر سفید، از اقدام های روی دست گرفته شده ی تقویتی به خاطر دفاع از میدان های هوایی در برابر حمله های شورشیان، نگاشت. در هفته های پس از آن دفتر نمایندگی سی آی ای در کابل، نتایج گردآوری شده از چشم دید ناظران خویش را گزارش داد: در خیابان های کابل نیرو های ویژه شوروی دیده شده است .

در بامداد ۱۷ دسامبر که روز دوشنبه بود، دریادار Turner ، در قصر سفید در یک نشست کمیسیون هماهنگی شرکت ورزیده که کارمندان عالیرتبه ریاست جمهوری عضو آن می باشند، آنانی که در این نشست حاضر بودند: والتر مندیل معاون ریاست جمهوری، زیبگنیف برژنسکی، هارولد بروون وزیر دفاع و ورنر کریستوفر معاون وزارت خارجه Turner . گزارش خود را ارائه کرد :

تا حال ۵۳۰۰ تن سرباز شوروی در پایگاه نظامی بگرام جابجا گردیده و در مرزهای شمالی افغانستان دو قرارگاه فرماندهی نظامی شوروی ساخته شده است. وی به ادامه گفت: سی آی ای نشانه‌ی از یک هجوم پرشتاب را نمی‌بیند. شاید شوروی‌ها سنجیده باشند که با به خرابی گراییدن وضعیت در ارتش افغانستان و یا در صورت نیاز، هر از گاهی به تقویت آن اقدام نمایند. واژه‌ی هجوم هرگز بر زبان وی رانده نشد.

بهترین تحلیل‌گران سی آی ای در حوزه‌ی اتحاد شوروی، از زمره‌ی آنان، Doug Mac Eachin که پسان‌ها در چوکی معاون رییس خدمات اطلاعات برگزیده شد، همیشه مصروف کار بودند تا گزارش محاکمه‌ی وضعیت را برای رییس جمهوری ارائه بدارند. به تاریخ ۱۹ دسامبر به این دسته‌ی تحلیل‌گران موفقیت دست داد تا راپور پایانی کار خویش را با ارزیابی تخمینی اوضاع، به‌طور رسمی آماده سازند.

دسته تحلیل‌گران به این نتیجه رسیدند:

«شتاب حرکت‌های شوروی‌ها به مفهوم هجوم احتمالی و فوری نیست. عملیات جهت رزمایش با شورش سراسری در کشور نیازمند واحدهای نظامی خیلی‌ها بزرگ زمینی می‌باشد. به این زودی‌ها شوروی برنامه‌ی حمله را روی دست ندارد»

سه روز پس از این، معاون دریادار Bobby Ray Tnman رییس اداره امنیت ملی پیمایی را از فرستنده‌ی بزرگ برقی سازمان ملل متحد به دست آورد. یک آگاهی‌نامه‌ی فوری از سوی ناظر حاضر در منطقه. هجوم به افغانستان در پیش روست. در عمل این کار جریان دارد. بالاتر از هزارها سپاهی شوروی آنجا را اشغال کرده‌اند. کارتر بدون هدر دادن وقت یک هدایت‌نامه را عنوانی سی آی ای دستینه کرد تا به تجهیز و تامین شورشیان در افغانستان آغاز نماید و نمایندگی‌ها به ایجاد یک راهکار جهانی به خاطر قاچاق جنگ ابزار به افغانستان، فعال شدند. اشغال افغانستان توسط شوروی البته یک رویداد پایان یافته بود.» (کتاب: سی آی ای: تمام تاریخ آن، تألیف:

: Ulrich Enderwitz, Elke ترجمه به آلمانی  
: Enderwitz, Rolf Schubert, Monika Noll ناشر: نگاه نشراتی  
– Fischer شهر فرانکفورت، چاپ سوم: جون ۲۰۰۹، صص ۴۸۳ –  
(۴۸۴)، (نگارنده این کتاب را در اختیار دارد)

دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در نشست  
۱۲ دسامبر ۱۹۷۹ فیصله بعمل آورد تا به افغانستان نیروی نظامی بفرستد.  
پیاپی شدن سربازان شوروی به افغانستان، روند جنگ سرد را (پس از نشان  
دادن زورگویی های هراس انگیز آمریکا به کیوبای انقلابی) وارد مرحله ی  
جدیدی ساخت و دنیای سرمایه داری از سیاست و راهکار های تنش زدایی  
(دیتانت) که در همایش هلسنکی بر آن مهر تأیید گذاشته شده بود، دوری  
گزینی کرد و فضای روابط بین المللی و ارتباط بین اتحاد شوروی و آمریکا  
پیچیده تر و خصمانه تر گردید .

#### انگیزه ی نخستین :

پیش از فیصله گسیل سپاهیان شوروی، اوضاع در افغانستان هرروز  
نسبت به روز پیشتر، بنابر رفتار و گفتار و کردار سرکوب گرانه – وحشت  
آور و خشونت آمیز زمامداران تازه به دوران رسیده خراب تر می شد و  
وضعیت سیاسی – اقتصادی – اجتماعی – فرهنگی – نظامی – امنیتی در  
سراسر کشور بد و بدتر می گردید .

نخستین واکنش سازمان یافته ی ضد دولتی شورش مسلحانه ی مارچ  
۱۹۷۹ در استان هرات بود که در جریان درگیری ها شمار زیادی از  
شهروندان و نیروهای دفاعی دولتی، همچنان نظامیان و مشاوران شوروی  
جان باختند و یا زخم برداشتند و خساره های زیادی را به بار آورد. حکومت  
تره کی – امین در ناآرامی های هرات دست رژیم آخوندی ایران را دخیل  
دانست و تبلیغات گسترده ی ضد ایرانی را به شکل تحریک آمیز به راه  
انداخت .

شورش و ناآرامی ها در هرات، رهبران حزبی و دولتی شوروی را به آن وا داشت تا بر بنیاد گزارش های مشاوران ملکی و نظامی شوروی در افغانستان و راپور فرستاده های خویش بدین جا، در سیاست های خود نسبت به افغانستان باز نگری کند، بویژه در ارائه کمک های نظامی و گماردین مشاوران عسکری و استخباراتی بیشتر به افغانستان، تقاضا های پی در پی نور محمد تره کی و حفیظ الله امین را در نظر گیرد. با بازدید هیأت بلند رتبه نظامی به سرکردگی رییس آمر سیاسی وزارت دفاع شوروی از افغانستان در ۶ اپریل ۱۹۷۹ و دیدار با رهبران افغانستان، به خواسته های آنان پاسخ مثبت داده شد و در اندازه ی کمک ها، ارسال جنگ ابزار و گسیل مشاوران شوروی افزایش بعمل آمد .

در این باره در کتاب ” حقایق پشت پرده... ” آمده است :

«وادییم زاگلا دین که در زمان برژنیف بحیث معاون اول مدیر شعبه بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی کار می کرد، بعد از بحث بر حوادثی که در برج مارچ ۱۹۷۹ به وقوع پیوست، یک نقطه عطف قلمداد می کند. جنگ های هرات قبل از آن که قوای نظامی رژیم آن را تحت کنترل آورد، دو هفته ادامه داشت .

در این جنگ ها حداقل نه (۹) و احتمالاً چهل نفر مشاور روسی با خانواده های شان و در حدود هشت تا سه هزار افغان هلاک گردیدند. در جمله مجاهدینی که بر شهر هرات حمله نمودند، هزار ها کارگر بی روزگار و بیکار افغان نیز شامل بودند که در ایران بسر می بردند و از طرف رژیم خمینی مسلح گردیده بودند. در عین حال مردم محلی مخصوصاً اهل تشیع که با بیانات ضد کمونیزم رهبران تشیع در ایران، تحریک و تشجیع شده بودند از طغیان صمیمانه حمایت کردند .

... ما برای اولین بار در مورد افغانستان حقیقتاً مشوش و مضطرب گردیدیم. شما می توانید تصور کنید که ما چه احساس داشتیم که نعش های



مشاورین ما را در تمام کوچه های شهر گشتانند، حتی بعضی از اطفال و زنان ما بصورت خیلی وحشت آمیز به قتل رسیدند.

تره کی و امین از اتحاد شوروی مصرانه خواست که قوای خود را به افغانستان اعزام دارد. بیروی سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی سه روز بصورت مسلسل تشکیل جلسه داده و در مورد نکات مثبت و منفی مداخله در افغانستان بحث و مذاقه نمود. صورت حال جلسات بیروی سیاسی که از آرشیف حزب کمونیست بدست آمده نوسانات اولی نظریات را نشان می دهد که بعداً به تدریج به توافقی تبدیل گردید که مسکو کمک های نظامی را با رژیم کابل افزایش دهد و مشاورین زیاد تر و بهتر را به افغانستان اعزام نماید، اما از اعزام قوا خود داری کند) «حقایق پشت پرده تهاجم اتحاد شوروی بر افغانستان، تألیف: دیاگوکوردوویز و سلیک هرپسن، ترجمه: عبدالجبار ثاب، چاپ: پشاور - مرکز نشراتی میوند، سال چاپ: ۱۳۷۷، صف ۷۱-۷۰»

سلسله ی از یادداشت ها، گزارش اطلاعاتی محرمانه، پیام ها، بیک های عاجل در باره ی اوضاع در افغانستان که از سوی سفیر شوروی کارمندان ک. گ. ب و مستشار ارشد نظامی شوروی در کابل به ستاد کل نیروهای مسلح شوروی به مسکو فرستاده می شد و از تقاضا های پی در پی نور محمد تره کی و حفیظ الله امین به خاطر گسیل نظامیان و ابزار جنگی (زرهپوش ها، هواپیماها و چرخبال ها) جهت اشتراک در کارزار جنگ با شورشیان، حکایه دارد؛ در اثر پژوهشی “جنگ در افغانستان” درج است. در اینجا یکی دو از آن اسناد انکار ناپذیر، آورده شود:

« امین در دیدار با ما به تاریخ دهم و یازدهم ماه روان تأکید کرد که گسیل سپاهیان مستقر در کابل برای سرکوب شورشیان تنها آنگاه امکان پذیر است که رهبران شوروی به تقاضای حکومت جمهوری افغانستان و شخص نور محمد تره کی مبنی بر استقرار سه گردان ویژه در پایتخت پاسخ مثبت دهند.

به تاریخ ۱۲ اوت سروری ریس سازمان امنیت افغانستان (اگسا)، بنابر سفارش امین از ما خواست تا مسالۀ بر آوردن خواهش رهبران جمهوری دموکراتیک افغانستان مبنی بر گسیل گردان های ویژه شوروی و تحویل دهی چرخدار های ترابری با پرسنل شوروی را سرعت بخشیم .

... سودمند خواهد بود، هرگاه در روز های آینده یک گردان ویژه و همچنان چرخدار های ترابری با پرسنل شوروی را به کابل اعزام نماییم...

همزمان با آن خواشمندیم مسالۀ گسیل دو گردان ویژه دیگر، یکی برای تقویت پاسداری از پایگاه هوایی بگرام و دیگری برای استقرار در بالاحصار را بررسی کنید .

پوزانف، ایوانف، گریلف ۱۲ / ۸ / ۱۹۷۹

... در روند گفتگو امین خواهش خود مبنی بر گسیل یک گردان از سپاهیان شوروی را برای نگرهبانی از شخص خود در مقر جدیدش ( که او در نظر دارد پس از پانزدهم اکتبر سال روان به آنجا کوچ کند) تکرار کرد .

نماینده ک. گ. ب، کابل) “ جنگ در افغانستان، نویسندگان: گروهی از پژوهشگران از انستیتوی تاریخ نظامی فدراسیون روسیه، ترجمه: عزیز آریانفر، سال چاپ ( چاپ دوم ): ۲۰۰۳ م، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، صص. ۲۳۷-۲۲۹ )

میخایل گریباچف در شرح جایگاه جهان سوم در اتحاد جامعه ی بین المللی در بخش اختلاف های منطقه ای، پیرامون تصمیم گیری گسیل نظامیان شوروی به افغانستان و برخی مسائل دیگر، نگاشته است ( برگردان ) :

«هرگاه انسان روی موجودیت اختلاف های منطقه ای وارد سخن گفتن می، خواننده می خواهد بپرسد که من راجع به افغانستان چگونه فکر می کنم؟ شاید در کل واضح نباشد [ کلیه مردم جهان آگاه نباشند] که افغانستان نخستین

کشوری بود که اتحاد شوروی با آن روابط دیپلماتیک برقرار کرد. ما همیشه با مردم این سرزمین، پادشاه و رهبران قبایل آن رابطه‌ی دوستانه داشتیم. بدون شک افغانستان به دلیل عقب ماندگی شدید که ریشه از دوران حاکمیت بریتانیا [استعمار کهن] دارد، با دشواری های فراوان دست و گریبان بود. به همین خاطر، این یک امر طبیعی بود که شماری از افغان های [ترقی خواه] خواستند به مردم خود کمک کنند تا خود را از پیوندهای قرون وسطایی آزاد سازند، دولت و نهادهای خدمات همگانی را عصری نمایند و به جریان پیشرفت شتاب بیشتر بخشند. لکن نتوانستند اولین تغییر کلی پیش رونده را نشان دهند؛ زیرا حلقه های امپریالیستی شروع به آن کردند تا بر افغانستان از بیرون فشار وارد آوردند. بدین لحاظ رهبران این کشور بر پایه قرار داد [دوستی] افغانستان - شوروی [معاهده دوستی، حسن همجواری و همکاری بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - در (۱۵) ماده که به تاریخ (۵) دسامبر ۱۹۸۷ در شهر مسکو دستینه شد] از اتحاد شوروی خواستار کمک گردیدند. آنان یازده بار به ما مراجعه کردند. و ما به زودی آماده شدیم تا قطعات محدود را به آنجا بفرستیم.

ما می خواهیم هر چه زود تر سپاهیان خویش را به خانه برگردانیم. مشکل تا اندازه ی زیاد به کلی حل شده است. تنها ضرورت آن دیده می شود تا اوضاع اطراف افغانستان از نگر سیاسی نیز روشن گردد. ما از روند آشتی ملی حمایت می نمایم که رهبران کنونی آن کشور در پیش گرفته اند. اتحاد شوروی به مانند گذشته خواستار یک افغانستان آزاد، مستقل و غیر منسلک می باشد. این حق آزادانه ی مردم افغانستان است تا تصمیم بگیرند که کدام راه را در پیش گیرند و کدام برنامه ی پیشرفت را تحقق بخشند. مداخله ی آمریکا بازگشت نظامیان ما را به تعویق می اندازد و سد راه تطبیق سیاست آشتی ملی و حل کلی مشکل می شود. ادامه ی تحویل دهی موشک های استینگر [و سکر] به باند های ضد انقلاب که آنان با استفاده از این جنگ ابزار هواپیماهای ملکی را مورد هدف قرار می دهند [و سرنگون می سازند] خیلی ها غیراخلاقی است و به هیچ عنوان توجیه پذیر بوده نمی

تواند «(پریسترویکا [سیاست بازسازی] دومین انقلاب روسی) یک سیاست جدید برای اروپا و جهان <به زبان آلمانی >، ناشر: بنگاه نشراتی Knaur، شهر مونشن <چاپ جدید توسعه یافته >، سال ۱۹۸۹، صص ۲۲۹-۲۲۸)

بدین شکل، بازگشت کامل نظامیان شوروی به میهن شان به تاریخ ۲۶ دلو ۱۳۶۷ خ پایان گرفت؛ لیکن مفاد توافقنامه ی ژنیو به عنوان یک سند ثبت شده در سازمان ملل، سوای خروج سربازان خارجی از افغانستان از سوی پاکستان در جایگاه امضا کننده و ایالات متحده ی امریکا به مثابه تضمین کننده، به شیوه ی بسیار خشن نقض گردید و آنها اندک ترین اراده و تمایلی برای عملی شدن سایر ماده ها و بندهای آن از خود نشان ندادند. زیرپا گذاشتن آشکار اصول موافقتنامه ی ژنیو به مفهوم دوام مداخله و توطئه گری و دسیسه سازی علیه مردم افغانستان بود. آی اس ای و سی آی ای با ادامه دادن به پشتیبانی از بنیاد گرایان افراطی، سد راه رسیدن به حل صلح آمیز مساله ی افغانستان شدند .

آنچه مربوط به نقض و یا رعایت موافقتنامه ی ژنیو از سوی زمامداران از خودراضی، خودخواه و پر از تکبر و فتنه جوی آنوقت جمهوری افغانستان و اتحاد شوروی پس از تکمیل خروج سربازان می شود؛ محمود قارییف رییس عملیاتی وزارت دفاع اتحاد شوروی در کابل - در عین حال مشاور ارشد نظامی نجیب الله، در برگ های (۷۵-۴۸) کتاب: ” افغانستان پس از بازگشت سپاهیان شوروی ” با برگردانی: عزیز آریانفر، با واژه های خیلی ها شفاف بازتاب یافته است .

درخور یادآوری ست که ارتش افغانستان و سایر نیروهای امنیتی مطابق قراردادهای امضا شده، پس از بیرون شدن قوای نظامی شوروی (نیز) نگارنده در آن هنگام به سان ده ها هزار فرزند میهن در رده ی سربازان ارتش، روزهای بسیار سخت دوره ی احتیاط <بار دوم >سربازی را تجربه می کرد و پاداش ضدیت با جنایت سیاسی ۱۴ ثور ۱۳۶۵ خ را به دست می آورد ( جنگ ابزار های سبک و سنگین (هوایی و زمینی)، مواد سوخت

ماشینری نظامی، کمک های لوژستیکی، انواع موشک ها ( اوراگان، لونا، اسکاد) و دستگاه های پرتاب آن ها را از اتحاد شوروی تحویل می گرفت؛ لیکن با وجود آن، اوضاع به سود بنیادگرایان افراطی و به زیان مردم، تغییر یافت و هیچکس نتوانست جلو فاجعه را که از سال ۱۳۶۵ خ با سازشکاری ها و معامله گری به شکل سازمان یافته به پیش می رفت، بگیرد .

پایان

بازبخش اسناد اشد محرم کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی در  
مورد خروج قوای آن کشور از افغانستان

کتاب پشت پرده افغانستان نوشته: دیه گوکوردویز و سلیک اس. هاریسون  
ترجمه: اسدالله شفایی

سفر نور محمد تره کی همراه با هیأت افغانستان به اتحاد شوروی وامضای  
توافق نامه ها

سفر زنده یاد ببرک کارمل به اتحاد شوروی سال ۱۹۸۰

سفر دوکتور نجیب الله به اتحادشوروی

— اسناد لائنه جاسوسی(کتاب ۲۹ - ۳۰ افغانستان)

— اسناد مربوط به اگسا برگهای سیاه از کارنامه های میر غضب دوران حفیظ  
الله امین

عارف عرفان راز های ناگفته توطئه سقوط نظام دموکراتیک راز های پشت  
پرده درس های زهر آلود تاریخ(چهارفلم مستند)